

طراحان قرن بیستم | ۲

بن شان؛ حقیقت باب صورت‌های خاموش

سیدامیر سقراطی



سرشناسه	: سقراطی، سیدامیر، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: بن‌شان؛ حقیقت‌یاب صورت‌های خاموش/سیدامیر سقراطی.
مشخصات نشر	: تهران: نشر گاه، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۸۵ ص.
فروست	: طراحان قرن بیستم؛ ۲.
شابک	: 978-622-95612-1-8
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۸۵.
موضوع	: شان، بن، ۱۹۶۹-۱۸۹۸ م.
موضوع	: Shahn, Ben, 1898-1969
موضوع	: کاریکاتوریست‌های لیتوانی -- سرگذشتنامه
موضوع	: Cartoonists -- Lithuania -- Biography
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۸ س ۷۱۹/۱ NC۱۶۷۰
رده‌بندی دیوبی	: ۷۴۱/۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۶۳۷۰۰۴

بن‌شان؛ حقیقت‌یاب صورت‌های خاموش

سیدامیر سقراطی

گرافیک: رسا تاسه

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

تیراژ: ۱۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۶۱۲-۱-۸

چاپ: تنها، خیابان جمهوری، بین فروردین و دانشگاه، پ ۱۱۷۲

تلفن: ۰۲۱-۳۷۵۰۹۶۰



تهران، خ فرشته (فیاضی)، خ بوسنی هرزگوین، خ حسابی،
بن‌بست سرو شرقی، پ ۲، واحد ۱۴ | تلفن: ۰۲۱-۲۲۳۹۴۲۰۴



شهر و کتاب مهرشهر

کرج، مهرشهر، بلوار شهرداری، خیابان ۲۰۰، پلاک ۳۶۳

تلفن: ۰۲۶-۳۳۴۲۰۸۵۷ | www.gaahpublication.com

فهرست

۷	پیشگفتار
۹	مقدمه
۲۳	آثار هنری بن‌شان
۱۸۵	منابع

پیشگفتار

«طراحان قرن بیستم»، عنوان مجموعه کتاب‌هایی دربارهٔ کاریکاتوریست‌ها، گرافیک‌ها و نقاشانی است که در قرن بیستم با ارائهٔ چشم‌اندازهایی بدیع و خلاقانه در هنر به سویه‌هایی درخشان دست یافته و در ارتقای قدرت بصری طراحی کوشیده‌اند.

این نفرات پس از جنگ جهانی دوم و در کارزار فرسایندهٔ جنگ سرد نمایندهٔ هنرمندانی هستند که در پیانهٔ بیم و امید، با خلقِ آثاری با مضامین سیاسی و اجتماعی و عمدتاً سیخ و طنزآمیز، چهرهٔ غم‌انگیزِ جهان در نیمهٔ دوم قرن بیستم را بازنمایی کرده‌اند.

طنز در آثار این هنرمندان، گستاخ، طعنه و هولناک است و با قدرتمندی زبانِ نوآورانهٔ طراحی در هم می‌آمیزد و تصویری نزل‌آلود از رنج‌ها، اشتباهات و ناکامی‌های انسان به‌دست می‌دهد که با خود خراش، کینه و جهالتِ خویش قرن گذشته را دستخوش تغییرات مخربِ بی‌بنیاد و نافرینام کردند.

این مجموعه کتاب‌ها، راهنمای مناسبی برای دیدنِ قرنِ گذشته هستند، کتاب‌های تاریخِ کوچک و مصوّر از سرنوشتِ بشر در قرن بیستم که به دلیل تکرارِ حماقت‌های بشری، همواره می‌توانند نو و غیرتکراری باشند. زیرا تاریخ بشری مدام در حالِ تکرار است!

مقدمه

وقتی به نامداران مر کار خاتو می‌اندیشم، پیش از همه، آثار افرادی به ذهنم می‌آید که هنر کاریکاتور مایون جسارت، خلاقیت و هوشمندی ایشان است: آندره فاسوا، رونالد سیرل، شاول، تومی اونگر، سائول استاینبرگ، یراه، براد هالند و ...

کاریکاتور از دید من، گزارشی از وضعیت زندگی و است. کارهای هراس‌انگیز گاهان ویلسون، آثار کمیک و فانتزی کبارمو موردیلو، کارهای دلهره‌آور ژان گورمه لن، هزل‌های اجتماعی موردیلو، و طرح‌های هجوآمیز والتر هانل همگی گزارشی از زندگی هستند. این گزارش یا در مورد زندگی خود هنرمند است یا به زندگی انسان در مفهوم کلی می‌پردازد. همه این هنرمندان و کاریکاتوریست‌های دیگر در هر اثر کاریکاتور، بُرشی کوچک از لحظه‌های متنوع زندگی را به ما نشان داده‌اند.

کاریکاتوریست پیشگو نیست، بلکه از آنچه در حال وقوع است صحبت می‌کند و هشدار می‌دهد. از بد ماجرا اتفاقات و رویدادهای ناگوار زندگی همواره در حال تکرار هستند. این تکرار و دور تسلسل باعث شده است که کاریکاتورها رنگ و بوی کهنگی به خود نگیرند، زیرا کاریکاتورها تبدیل به اسناد ماندگار زندگی ما شده‌اند. آثار «بن‌شان» (Ben Shahn) طراح آمریکایی لیتوانی‌تبار، از همین نوع آثار دینی فسادناپذیر و بدون انقضاء است که جنس سوژه و طراحی آن‌ها، به‌حصر به فرد و ماندگار شده‌اند. آثاری بدون تاریخ مصرف، مؤثر و تأثیرگذار، که در دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی بر برخی از هنرمندان بزرگ جهان تأثیر گذاشت. بن‌شان اگر چه طراح، نقاش و از مهمترین هنرمندان سوسیالیستی یا همان واقع‌گرایی اجتماعی است اما بسیاری از آثار کاریکاتور او از زمره ماندگارترین آثار قرن گذشته هستند.

«بنجامین شان» معروف به بن‌شان در ۱۲ سپتامبر ۱۸۹۸ در کاواناس در لیتوانی چشم به جهان گشود. در ۱۹۰۲ در حال ۴ سال داشت پدرش به‌خاطر فعالیت‌های انقلابی به سبیری تبعید شد. در آن زمان او به همراه مادرش و دو خواهر و برادر کوچکش به ناچار به شهری کوچک به نام ویلکومیر نقل مکان کردند. در ۱۹۰۶ و در سن ۸ سالگی همراه با خانواده‌اش به آمریکا مهاجرت کرد و در منطقه ویلامزبرگ در بروکلین در نیویورک اسکان یافتند. از این نظر او را

باید یک آمریکایی دانست، زیرا در نیویورک بزرگ شد و مدارس هنری را در آمریکا و اروپا گذراند.

بن‌شان در ۱۷ سالگی مسیر هنری خود را آغاز کرد. در ابتدا به سمت هنر لیتوگرافی رفت و در این رشته آموزش دید. او در رشته هنر در دانشگاه نیویورک و آکادمی ملی دیزاین به تحصیل پرداخت. در ۱۹۲۲ ازدواج کرد و در ۱۹۲۵ و ۱۹۲۷ دو سال را همراه همسرش در آفریقا گذراند و به تصویرگری کتاب پرداخت. آغاز نقطه موفقیت بن‌شان زمانی بود که به دک کردن هنر مدرن پرداخت که در اروپا در حال شکل گرفتن بود. او تلاش کرد که از سبکی واقع‌گرایانه برای کارهایش استفاده کند تا به واسطه آن بتواند مسائل اجتماعی را بازگو کرده و به راحتی ایده‌هایش را به مخاطب منتقل کند.

اما آغاز شهرت او با نقاشی‌هایی است که در مورد دو مهاجر ایتالیایی به نام‌های ساکو و وانتستی در سال‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۲۲ کشید. (اثر صفحه ۱۵۲) این دو مهاجر به اتهام ارتکاب قتل و زور محکوم شده بودند اما در واقع به دلیل تبلیغ آنارشیسم اعدام شدند. یکی از این آثار تلفیقی از طراحی و تایپوگرافی بود که کاریکاتور را به یک بیانه انتقادی و یا یک اعلان سیاسی بدل می‌کرد. در این اثر استفاده از ظرفیت انتقادی متن، محتوای سیاسی و اجتماعی اثر را چند برابر می‌کرد. استفاده از حروف بزرگ به مثابه قاطعیت هنرمند و خشم او جلوه می‌کند. حروف بزرگ انگلیسی همچون دیواری سبّار از

قاطعیت، توجه بیننده را به خود معطوف می‌کند. او در زیر تصویر نوشته بود: «اگر به خاطر این چیزها نبود ممکن بود من زندگی‌ام را در گوشه خیابان‌ها در حال صحبت با مردم تحقیر شده می‌گذراندم. ممکن بود بمیرم. بی‌نشان. یک شکست خورده. اکنون ما یک شکست خورده نیستیم. این وظیفه ما و پیروزی ماست. هرگز در کل، زندگی‌مان تصور انجام چنین کاری را برای بردباری نداشتیم، رای -الت، برای درک انسان از انسان، چنان‌که ما بطور اتفاقی انجام دادیم. حرف‌های ما، زندگی ما، دردهای ما، هیچ! گرفتن زندگی ما، زندگی یک کفش دوز خوب و یک ماهیگیر فقیر). آن لحظه آخر متعلق به ما است، آن لحظه جان‌کندن، پیروزی ماست». (اثر صفحه ۱۵۵) بن‌شان ۱۹۱۲ تعداد ۲۳ نقاشی گواش خود را از محاکمات این دو نفر نمایش داد. توانست نگاه منتقدان هنری را به خود جلب کند. بنابراین او در سال ۱۹۱۲ در آستانه شهرت قرار گرفت و توانست مسیر هنری خود را برپا نماید. آثار واقع‌گرایی اجتماعی و براساس انتقاد به مواضع سیاسی، بیان‌کننده کار بن‌شان فقط به خلق آثار طراحی و کاریکاتور محدود نمی‌شود، بلکه او طراح گرافیک، نقاش، تصویرگر، عکاس و نویسنده نیز بود. طراحی دکور برای تئاتر و نقاشی دیواری نیز از دیگر فعالیت‌های این هنرمند پرکار است. او نقاشی غیرمتعارف بود که اگر چه در طراحی‌هایش با خطوطی موجز و محکم روبروئیم اما در نقاشی‌هایش

پالت رنگی غنی‌ای می‌بینیم که از رنگ‌های بسیاری بهره برده است. همین رنگ‌ها، قدرت‌نمایی نقاش در ترکیب و همنشینی رنگ‌های بسیار را به چشم می‌آورد.

برشان مانند بسیاری از هنرمندان مهم جهان، گرایش‌های سیاسی چپ‌رایانه داشت و کارهایش بازتاب علاقه‌اش به مسائل سیاسی هستند. او تمرکز بر واقعیت‌های اجتماعی همچون فقر، بی‌کاری، مهاجرت، نژاد، آلودگی و مضامینی از این دست خود را به عنوان یک هنرمند با رویکرد دهان‌رنالسم سوسیالیستی مطرح کرد.

مهمترین شناسه در گرایش سوسیالیستی او در ۱۹۳۳ است، زمانی که در ۳۵ سالگی، برای نقاشی دیواری مرکز راکفلر در نیویورک با «دیه گوریورا» همکاری کرد. ریورا از رهبران جنبش هنر مدرن مکزیک و ۱۲ سال از بن‌شان بزرگ‌تر بود. او به همراه سیکه ایژس و خوزه کلمنته اُزسکو از هنرمندان مهم جریان رنالیسم سوسیالیستی و از رهبران جنبش هنر انقلابی در مکزیک بودند که هر سه بر بیان اجتماعی هنر تأکید داشتند. ریورا از ۱۹۳۰ تا ۱۹۴۰ در آمریکا بود و چند نقاشی دیواری بزرگ از جمله برای مدرسه هنرهای زیبای کالیفرنیا و دانشگاه سن فرانسیسکو کشید. همکاری بن‌شان و ریورا از آن رو مهم است که ریورا به عنوان یکی از بزرگترین هنرمندان چپ‌گرای جهان اگر چه در ۱۹۵۷ درگذشت اما بر هنر در دوران پس از جنگ سرد به خصوص در کشورهای جهان سوم

تأثیری عمیق گذاشت و نقاشی‌های دیواری انقلابی به سبک او در برخی کشورها بر روی بوم کشیده شد. همکاری این دو، نشان از تأثیر و نفوذ جریان چپ‌گرا در میانه دو جنگ جهانی در فضای هنر آمریکا دارد. در این زمان هنوز از «مک‌کارتیسم» خبری نیست و چپ‌ها و کمونیستها می‌توانند آزادانه به فعالیت بپردازند. ۱۷ سال بعد از این است که جریان مک‌کارتیسم در آمریکا شکل می‌گیرد و به‌تدریج حرف مک‌کارتی با ارائه فهرستی از روشنفکران کمونیست، شمار زیادی از هنرمندان، روزنامه‌نگاران و سینماگران را مورد تعقیب قضایی قرار داد و بسیاری را از کار بی‌کار و حتی زندانی کرد.

اما داستان همکاری بن‌ش با ریورا برای اجرای نقاشی دیواری مرکز راکفلر از آن نظر اهمیت دارد که این نقاشی یکی از جنجالی‌ترین نقاشی‌های دیواری در تاریخ معاصر است. زیرا این نقاشی دیواری با نشانه‌های کمونیستی در یکی از شهرهای مراکز سرمایه‌داری جهان در دسر آفرید و در نهایت تخریب شد و از بین رفت. قرار بود که در این نقاشی سه‌لته‌ای نمادهایی از پیشرفت‌های صنعتی، سیاسی و علمی آمریکا نشان داده شود. اما ریورا به جای نمایش دستاوردهای آمریکایی مطابق تمام نقاشی‌هایش به آرمان‌های کمونیستی روی آورد و در لیت‌میانی اثر، پرترهٔ لنین رهبر انقلاب ۱۹۱۷ روسیه را نقاشی کرد و در لیت سمت راست هم پرترهٔ تروتسکی را که از دوستان نزدیک‌اش بود کشید (اثر صفحه ۱۸۰). راکفلر که

از مهمترین خانواده‌های حامی سرمایه‌داری آمریکا بود از این کار ناراحت شد و قرارداد را فسخ کرد و در نهایت به دستور راکفلر این نقاشی دیواری نیمه تمام را با گچ پوشانده و پس از یک سال به طور کامل آن را تخریب کردند. سه سال بعد از این هنرمندی به نام ژوزف مارا سِرت به همراه فرانک برانگ وین بر روی این نقاشی دیواری اثری به نام «بشرف آمریکایی» کشیدند.

بن‌شان هفت سال بعد هم در زمینه نقاشی دیواری به فعالیت‌هایی پرداخت و آثاری بری «اداره پیشرفت کار» که برای مقابله با پیامدهای بحران دهه ۱۰ به خود آمد، خلق کرد. این اداره بسیاری از نقاشان و مجسمه‌سازان کار را برای تجدید طراحی و تزئین دیوار بناهای همگانی استخدام کرد. علاوه بر بن‌شان، هنرمندانی مثل آرشیل گورکی، ویلیم دکونینگ و جکسون پالاک هم برای این اداره کار کردند. یکی از آثار بن‌شان در این دوره در ساختمان اداره تأمین اجتماعی واشنگتن است که اجرایش دو سال به طول انجامید و در ۱۹۴۱ به پایان رسید.

بن‌شان در مقام طراح و تصویرگر چهره‌های فراوانی را برای تریه‌نایم به تصویر کشیده است. پرترهایی که اگر چه با خطوط کاریکاتوری ترسیم شده‌اند، اما اغراق در آنها کم است و این طنز است که در این آثار به اوج خود رسیده است. او در طراحی کاراکترهای طنزآمیزش نیز از اغراق‌های زیاد در اجزای صورت استفاده نمی‌کند. طراح خلاق

است که در طراحی‌هایش سادگی، ایجاز و ظرافت موج می‌زند. اگر چه طرح‌های او بسیار ساده جلوه می‌کند، ولی پرداختن او به جزئیاتی مانند چروک لباس، چین و چروک فشرده‌پیشانی و خطوط انگشتان دست همراه با خطوطی قوی، تأثیرگذار و اکسپرسیو به ساندن حس اثر به مخاطب کمک کرده و حتی تبدیل به سبک هنری او شده است. در میان سادگی و ایجاز تصاویرش، ترسیم انگشتان در حالات دست نکته تأکیدی بر خوانش نهایی تصویر هستند. انگشتان گره شده، قفل شد و در هم پیچیده، بار عاطفی تصویر را کامل می‌کند و گویای وضعیت آشفته کاراکتر می‌شوند.

جنگ جهانی اول از اوت ۱۹۱۴ تا نوامبر ۱۹۱۸ به طول انجامید و از ۱۶ تا ۲۰ سالگی بن‌شان را درگیر کرد. به جنگ جهانی اول، «جنگ برای پایان همه جنگ‌ها» گفته بودند و این خیال خامی بیش نبود. زیرا ۲۱ سال بعد در ۱ سپتامبر ۱۹۳۹ جنگ جهانی دوم به وقوع پیوست و تا ۲ سپتامبر ۱۹۴۵ ادامه داشت. با آغاز جنگ جهانی دوم بن‌شان ۴۱ ساله با خلق پوسترهایی علیه نیروهای نازی، همکاری با ارتش آمریکا پرداخت. بنابراین بن‌شان در عمر هفت ساله خود دو جنگ جهانی را دید و تجربه کرد. دیدنِ قرنِ خونبار و تلخ که ریشه در خودخواهی و نفرت سیاستمداران از یکدیگر داشت، بر هنرمند تأثیرات عمیق و غیرقابل‌انکاری دارد. در مجموع دو جنگ جهانی بیش از ۸۰ میلیون نفر از جمعیت جهان کشته شدند. در

جنگ جهانی اول نزدیک به ده میلیون نفر کشته شدند، بیش از هفت میلیون نفر مفقود و بیش از ۲۱ میلیون نفر مجروح شدند. این رقم در جنگ دیوانه‌وار دوم بسیار بزرگ‌تر از تصور بود و در مجموع بیش از ۷۳ میلیون نفر از دو طرف نیروهای متخاصم کشته شدند. فرنی چنین خونبار و دردناک هنرمند را نازک و شفاف می‌کند و با نلنگری، شکسته و تیز می‌شود؛ تیز همچون نوک قلمی که چهره سیاه رخها را می‌شکافد، تیرگی‌هایش را با جوهر اندیشه و احساس، به رنگ تیره ترکیب می‌کند. ثبت می‌کند تا تاریکی و رنج از خاطر مردمی که فراموش‌گذاشته می‌شوند بیرون نرود. بن‌شان در این میان طراح چهره‌های سرد قرن خود را در حلقه‌های جهانی است که وحشت را به چشم دیده‌اند. در آثارش صورت‌های مسخ شده و ساکت و سنگی با کم‌ترین حالت عاطفی، بیانگر آن هشتاد و هشتی است که انسان در قرن گذشته دیده است. برخلاف پرتره‌ها، لباس و اندام‌ها پر از کشش و گُنش است و با خط‌هایی به انعطاف درآمده‌اند. فضای خالی و سفید و بدون عناصرِ روایی و بیانگرا با اتمسفری ساکن و اندر بار و ساکت بر چهره‌های محزون در درون تصویر تأکید می‌کند. کارهای او نمایشی از بی‌عدالتی است که توسط انسان بر خود و یا هم‌نوع خود روا داشته شده است. کاراکترهای او چهره‌هایی خاموش و ساکن هستند که از بطن اجتماع می‌آیند. این چهره‌ها چنان حقیقی و قابل باورند که از اعوجاج و دفرمه شدید بی‌بهره

هستند؛ گویی طراح آینه‌ای در برابر ما گذاشته است تا صورت‌های بی‌نور و جان‌های بی‌روح را به ما نشان دهد. انسان‌های تنها، با پس زمینه‌ای خالی و سفید در طرح‌های او فراوان دیده می‌شود، انگار که مدلی در برابر دوربین عکاسی بن‌شان نشسته است تا او عکسش را بیاندازد. اما در طرح‌های بن‌شان از روتوش خبری نیست. او صورت‌های بزک کرده و زیبا را به نمایش نمی‌گذارد بلکه روح زمانه و حوی آنها را در صورت کاراکترهایش ثبت می‌کند.

شاید برخی طرح‌ها و سفیدی بیش از حد پس‌زمینه، نشانی از سادگی و پستی این موجودات باشد. موجوداتی به نام انسان که بدون اراده خویش، درگیر وقایع جاه‌لانه و ابلهانه خود شده‌اند، سکوت و انفعال این موجودات در برابر قاع به گونه‌ای است که انگار از زخم خوردن خویش لذت می‌برند و از آنجا بر سرشان می‌رود بی‌خبر و ناآگاهند!

برتولت برشت، زمانی گفته بود: «آن کس که حقیقت را نمی‌داند، بی‌شعور است. اما کسی که حقیقت را می‌داند و آن را دروغ می‌نامد تبه‌کار است». با این توصیف، بن‌شان که حقیقت را دریافته است، برای دوری از تباهی و تبه‌کاری آن حقیقت نویافته را در برابر چشمان‌مان عریان می‌کند. او آن حقیقت را در قالب چهره‌های واقعی و با اغراق کم، بی‌روح و ساکت که در بهتی غریب فرو رفته‌اند، به تماشا گذاشته است.

بن‌شان علاوه بر مجلهٔ تایم برای رسانه‌ها و نشریات معروفی مثل CBS، Fortune و Harper کار کرده است. یکی از رموز ماندگاری هنرهای کاریکاتور و تصویرسازی در قرن بیستم، کار کردن در نشریات مهم و بین‌المللی بوده است. بن‌شان نیز مانند همتایانش از این موهبت برخوردار شد. اما فقط حضور در یک نشریهٔ مهم و ماندگار برای شهرت کافی نیست، بلکه ماندگاری اثر هنری تضمین‌کننده اعتبار و شهرت است. یکی از آثار ماندگار او را باید پرتره‌ای دانست که در ۱۹۶۵ از مارتین لوتر کینگ کشید.

او از دههٔ ۴۰ میلادی پس از پایان جنگ جهانی دوم به بعد به کشیدن نقاشی‌های تمثیلی، اسلوره‌ها و مذهبی روی آورد. این رفتار شاید به دلیل سرخوردگی از فضای سیاسی و اجتماعی و دیدن دو جنگ جهانی باشد. در این دوره، مدرنیسم آمریکایی به سمت نقاشی‌های انتزاعی در حرکت بود. نقاشانی مثل جکسون پالاک، مارک روتکو، فرانز کلاین، رابرت مادرول، بارت نیومن از جریان جریان نقاشی انتزاعی در آمریکا بودند و جامعه خواهان تازگی و نوآوری از فیگوراتیو با لحن سیاسی و اجتماعی بود. جامعهٔ پس از جنگ، به سوی نقاشی مدرنی می‌رفت که در تخیلات کسی مثل بن‌شان هم نمی‌گنجید. بعدتر مشخص شد که نقش سازمان سیا در خط‌دهی به موزه‌های مدرن آمریکا (موما) برای گسترش این شکل از نقاشی که روبروی نقاشی رئالیسم سوسیالیستی شوروی می‌ایستاد،

بی‌تأثیر نبوده است. بن‌شان که تحت تأثیر عواقب مخرب جنگ بود و رنجوری و محرومیت انسان‌ها را می‌دید به سمت نقاشی‌هایی فراتر از موضع اجتماعی صرف و نقاشی‌های انتزاعی خنثی رفت و از جایگاه واقع‌گرایی اجتماعی به سمت «واقع‌گرایی شخصی» متمایل شد. او در این تکاپوی درونی به احساسات و خاطرات خود توجه کرد و مضامین اجتماعی را با رویدادها و خاطرات خود درآمیخت و به تمثیل‌ها و نشانه‌های مذهبی روی آورد. در این دوره کاری بیش از این، آثارش موضوعات اجتماعی و سیاسی باشند متأثر از فضای عاطفی زیست هنرمند و مرور بر داشته‌های عاطفی و انسانی خویش است. برحسب آثار او در ۱۹۹۴ در نمایشگاه مهمی به نام «فراسوی ایمان، هنر، خیال و تخیل مذهبی» در استرالیا در کنار آثار بزرگان تاریخ هنر توسط رزماری کراملین به نمایش در آمد که رخدادی منحصر به فرد در بازگشت میراث معنوی و مذهبی در هنر جهان به حساب می‌آمد.

از اواسط دهه ۱۹۵۰، او به عنوان یک «دانشمند شناخته‌شده بین‌المللی در رخدادهای جهانی حاضر بوده است. زحمته این افتخارات باید به حضور در بینال ونیز در ایتالیا در سال ۱۹۵۴ اشاره کرد که به همراه ویلم دکونینگ به عنوان نمایندگان هنر آمریکا به این رخداد بزرگ جهانی معرفی شدند. بن‌شان در دو دهه آخر عمر بیشتر به عنوان یک چهره آکادمیک فعالیت کرد؛ او دکترای

افتخاری خود را از دانشگاه پرینستون و دانشگاه هاروارد دریافت کرد و در سال ۱۹۵۶ برای تدریس به دانشگاه هاروارد پیوست و علاوه بر سخنرانی‌های متعدد دو کتاب از مجموعه مقالات و سخنرانی‌های خود به نام‌های «بیوگرافی نقاشی» (۱۹۵۶) و «شکل محو» (۱۹۶۰) منتشر کرد.

بر نشان آثارش در مجموعه‌های شخصی معتبر و موزه‌های متعدد هنری سراسر جهان همچون مؤسسه هنر شیکاگو، موزه هنر آمریکایی ویسکانسین، گالری تیت در لندن و گالری ملی هنر در واشنگتن دی.سی. نگه‌داری می‌شود، پس از سال‌ها خلق آثار فراوان و انتشار کتاب‌های متعدد، در ۱۴ مارس ۱۹۶۹ در نیویورک در آمریکا درگذشت.